

محبت در اسلام و مسیحیت

فاطمه نوری^۱

إلهی أقمنی فی أهل ولايتک مقام من رجا الزیاده من محبتک.

خدایا مرا در میان دوستان مقام کسی بخش که امید به افزونی محبت را دارد (مناجات شعبانیه)

چکیده

از مشترکات ادیان توحیدی تاکید بر ارزشهای اخلاقی است. اطلاق نام "دین محبت" به مسیحیت توسط برخی از افراد در جوامع کنونی و تلقی مغرضانه سیاستمداران از اسلام به دین خشونت اختلافی است بین معتقدان ادیان الهی که دنیا طلبان در پی آن هستند. این نوشتار بر آن است با بررسی و مقایسه نمونه ای از تعالیم این دو دین با عنوان محبت که خاستگاه مشترک ادیان است، اشتراک و افتراق آنها را در این مقوله مبرهن سازد و زمینه نزدیکی هر چه بیشتر ادیان از جمله اسلام و مسیحیت را فراهم آورد. چرا که دین با استناد به آیات و روایات چیزی غیر از محبت نیست و محبت نیز جز با اطاعت و امتثال فرامین الهی که در قالب دین بیان شده اند حاصل نمی شود و ره آورد آن آسایش دنیوی و سعادت اخروی خواهد بود. با بهره گیری از روش توصیفی کتابخانه ای و در قالب تطبیقی به این مسأله پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: محبت، اسلام، مسیحیت

یکی از مهمترین مسائلی که امروز در گستره دین شناسی مطرح است، نگرش کلی ادیان به زندگی و تعیین مرزهایی متفاوت برای هریک از ادیان الهی میباشد. به عنوان نمونه از دین مسیحیت به عنوان دین رحمت و مهربانی یاد می شود و حضرت عیسی (ع) را پیامبر محبت معرفی می نمایند. متأسفانه اسلام و نبی اکرم (صلی الله و علیه و آله) را با عنوان رحمه للعالمین محجور می کنند و دو دین الهی را رو در روی یکدیگر قرار داده و به افتراقات دامن میزنند. البته اکثر این بینشها مغرضانه است؛ ولی گاه به سبب اعمال تروریستی تحت لوای اسلام چنین نگرش هایی حاصل میشود؛ نتیجتاً ضرورت تبیین دیدگاه اسلامی و شناساندن تروریستهای مسلمان نما امری است که توسط متخصصان باید به طور جدی دنبال گردد. بخشی از موضع گیریهای دنیای غرب، به افتراقات و انحرافات حاصله در بین مسلمانان برمیگردد. کج اندیشی دینی خود بزرگترین خسارت را بر پیکر یک مذهب وارد می سازد، که متأسفانه اسلام نیز از این هجوم در امان نبود و این امر باعث پوشیاندن شدن چهره حقیقی دین گشته است. اخیراً موج اسلام ستیزی شدت بیشتری گرفته و نسبتهای ناروایی به آن داد میشود. مفهوم محبت در قرآن، در قالب دوست داشتن خداوند به عنوان اصل عبادی و در قالب دوست داشتن مخلوقات خداوند به عنوان اصل اخلاقی در تعامل با دیگران مطرح است. اسلام دینی بر پایه محبت است و در آیات و روایات بر این امر تأکید شده است.

طبق بررسی های انجام شد مشخص شد مقالاتی نزدیک به این موضوع ولی با تفاوت کار شده است؛ از جمله این پژوهش هائی توان به موارد زیر اشاره نمود:

- رضی بهابادی، بی بی سادات، شبانی، اعظم سادات، مقایسه مفهوم "محبت" در قرآن و عهد جدید: بیشتر به بحث و مقایسه محبت و خشونت پرداخته است.

- نوری، ابراهیم، توحیدی فرد، محمدحسین، جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت (مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان): به مباحث عفو و گذشت پرداخته است.

- محققان، زهرا، پرچم، اعظم، ماهیت امید؛ مقایسه ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت، سال چهارم، شماره اول زمستان، ۱۳۹۱، ص ۲۶۷: نگرش امید در اسلام و مسیحیت بررسی شده است.

در این نوشتار تلاش شده است مفهوم صحیح محبت، بررسی آن در اسلام و مسیحیت انواع آن، راههای دستیابی به محبت و نهایتاً الگوهایی کامل از پیشوایان که ابراز کامل و جامع محبت را در زمینه رابطه با خالق و مخلوق را داشته اند بررسی و معرفی شوند.

حب در لغت:

حب: دوست داشتن يُحِبُّوْنَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ بقره: ۱۶۵ آنها را دوست میدارند چون دوست داشتن خدا. (قرشی بنایی ۱۳۰۷؛ ج ۲، ص: ۹۳)

حب: دوستی و دوست داشتن «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره ۱۹۵) خداوند توبه کنندگان را دوست دارد.

احباء: جمع حبيب: دوستان، محبوبها، «نحن أبناء الله وأحباؤه» (مائده ۱۸) فرزندان و دوستان (محبوبان) خدا هستیم.

محبه: محبت، مهر. «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي» (طه ۳۹) و بر تو محبتی از سوی خودم (در دلها افکندم).

(کرمانی ۱۳۸۹، ص ۹۷)

محبت در اصطلاح

محبت: عبارت است از احساس میل نسبت به چیزی که برای انسان، لذت بخش است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۱۷)

واژه شناسی محبت در مسیحیت

محبت: صفتی است ذاتی و اگر به موافق آن عمل نماییم تکالیف خود را درباره خدا و انسان به نیکوترین وضعی به عمل آورده ایم. (هاکس ۱۳۷۷ ص ۷۸۵)

Agape کلمه یونانی به معنای عشق است. که در عهد جدید به صورت عشق پدرانه خداوند به انسان یاد میشود.

محبت دلیل عظیمی است برای ایمان و اطاعت. (محمدحسین توحیدی فرد، ابراهیم نوری، ۱۳۹۴، مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

محبت در اسلام

محبت در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و با معرفی دین که چیزی غیر از محبت نیست و ترغیب افراد در عمل کردن به آموزه های الهی مندرج در دین آسودگی خاطر در دنیا و سعادت در آخرت را فراهم سازد.

از نظر اسلام، محبت، بیشترین نقش را در سازماندهی جامعه آرمانی انسانی دارد. ملاحظه نصوص (کتب روایی) به روشنی اثبات می کند که جامعه مطلوب انسانی در اسلام، جامعه ای است که براساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل بگیرد. اسلام می خواهد جامعه ای بسازد که همه مردم، خود را برادر یکدیگر بدانند و تا سر

حد ایثار نسبت به هم عشق بورزند، و این بدان جهت است که هیچ چیز مانند محبت در سامان دهی جامعه دلخواه انسانی، کارساز نیست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۱۸)

حب در حقیقت تنها وسیله‌ای است برای اینکه میان هر طالبی با مطلوبش رابطه برقرار کند و هر مریدی را به مرادش برساند، و حب اگر مرید را به مراد و طالب را به مطلوب و محب را به محبوب می‌رساند، برای این است که نقص محب را به وسیله محبوب برطرف سازد تا آنچه را ندارد دارا شود، و کمبودش تمام و کامل گردد. پس برای محب هیچ بشارتی بزرگتر از این نیست که به او بفهماند محبوبش دوستش دارد، اینجا است که دو حب با هم تلاقی می‌کنند و از دو سو غنچ و دلال رد و بدل می‌شود. بنده مخلص که اخلاص خود را با محبت به خدا اظهار می‌دارد، هیچ هدفی جز این ندارد که خدا هم او را دوست بدارد، همانطور که او خدا را دوست می‌دارد و خدا برای او باشد همانطور که او برای خدا است، این است حقیقت امر.

چیزی که هست خدای سبحان در کلام مجیدش هر جبی را حب نمی‌شمارد چون حب (که حقیقتش علقه و رابطه‌ای است میان دو چیز)، وقتی حب واقعی است که با ناموس حب حاکم در عالم وجود، هماهنگ باشد، چون دوست داشتن هر چیز مستلزم دوست داشتن همه متعلقات آنست و باعث می‌شود که انسان در برابر هر چیزی که در جانب محبوب است تسلیم باشد.

در مورد دوستی خدا هم همین طور است. خدای سبحان که خدای واحد است و هر موجودی در تمامی شؤون وجودیش به او متکی است، و همه تلاشش در یافتن وسیله‌ای به سوی او است، خدایی که تمامی خرد و کلان عالم به سوی او باز می‌گردد، باید دوستی و اخلاص با او توأم با قبول دین او باشد که همان دین توحید و طریقه اسلام است. اسلام یعنی شریعتی که برای پیامبر اسلام تشریع شده، (عبارت است از مجموع معارف اصولی و اخلاقی و عملی و سیره آن جناب در زندگی)، همان سبیل اخلاص است، اخلاص برای خدای سبحان که زیر بنایش حب است پس اسلام دین اخلاص و دین حب است (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۷)

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران ۳۱) قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالْأَسْوَطَ فَإِنْ تَوَكَّلُوا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (آل عمران ۳۲)

بگو: "اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببخشد، و خدا آمرزنده مهربان است." بگو: "از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد."

آیات فوق، مفهوم دوستی واقعی را تبیین می کند و فرق آن را با محبت کاذب و دروغین روشن می سازد. نخست می فرماید: "بگو: اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد که خدا آمرزنده مهربان است" (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ). یعنی محبت تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از هر گونه اثر نیست بلکه باید آثار آن، در عمل انسان منعکس باشد، کسی که مدعی عشق و علاقه به پروردگار است، نخستین نشانه اش این است که از پیامبر و فرستاده او پیروی کند. در حقیقت این، یک اثر طبیعی محبت است که انسان را به سوی "محبوب" و خواسته های او می کشاند، البته ممکن است، محبت های ضعیفی یافت شود که شعاع آن، از قلب به بیرون نیفتد، اما اینگونه محبتها به قدری ناچیز است که نمی توان نام محبت بر آن گذاشت، یک محبت اساسی حتما آثار عملی دارد، حتما دارنده آن را با محبوب پیوند می دهد، و در مسیر خواسته های او به تلاش پرتلاش و پرمهر و امی دارد. دلیل این موضوع روشن است، زیرا عشق و علاقه انسان به چیزی حتما به خاطر این است که کمالی در آن یافته است، هرگز انسان به موجودی که هیچ نقطه قوتی در آن نیست، عشق نمی ورزد، بنا بر این، عشق انسان به خدا به خاطر این است که او منبع و سرچشمه اصلی هر نوع کمال است، مسلما چنین وجودی، تمام برنامه ها و دستورهایش نیز کامل است.. (مکارم شیرازی ۱۳۵۳، ص ۵۱۱-۵۱۳)

دینداری و افزایش محبت الهی

لازمه دوست داشتن خدا، قبول دین او و اطاعت و تسلیم در برابر اوست. کسی که خدا را دوست می دارد باید به قدر طاقت و کشش ادراک و شعورش از دین او پیروی کند و دین نزد خدا اسلام است و اسلام همان دینی است که سفرای خدا مردم را به سوی آن می خوانند و انبیایش و رسولانش به سوی آن دعوت می کنند و مخصوصا آخرین ادیان الهی یعنی دین اسلام که در آن اخلاصی هست که ما فوق آن تصور ندارد، دین فطری است که خاتم همه شرایع و طرق نبوت است، و با رحلت خاتم الانبیاء (ص) مساله نبوت ختم گردید. (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۳، ص: ۲۴۹)

آیه: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ ۝۳۱ آل عمران) و مراد از آیه ("و خدا داناتر است" ۲۹ آل عمران) این شد که اگر می خواهید در عبادت خود خالص شوید و عبادت شما بر اساس حب حقیقی باشد، این شریعت را که زیر بنایش حب است و تبلور دهنده اخلاص و اسلام می باشد و صراط مستقیم خدا است و سالک خود را با نزدیک ترین راه به خدا می رساند، پیروی کنید، که اگر مرا در سبیل و طریقه ام که چنین وضعی دارد پیروی کنید، خدای تعالی شما را دوست می دارد و همین بزرگترین بشارت برای محب است، در اینجا است که آنچه را می خواهید می یابید، و همین است آن هدف واقعی و جدی که هر محبی در محبتش به دنبال آن است، این آن مطلبی است که آیه شریفه با اطلاقش آن را افاده می کند. (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۳، ص: ۲۵۰)

محبت به خداوند و خشنود ساختن او

در این دین قرب به خدا و اطاعت از او عنوان شده و برای رسیدن به این مقام توصیه هایی شده است. مانند: چنانکه شایسته ایمانداران در مسیح است، یکدیگر را دوست بدارد. همیشه مهمان نواز باشید، زیرا بعضی ها با چنین کاریبی آنکه خود بدانند از فرشتگان پذیرایی کرده اند. زندانیان را چنان که گویی با ایشان هم زندان هستید به خاطر داشته باشید و ستمدیدگان را فراموش نکنید، چون شما هم مانند آنها ستم دیده اید. رهبران خود را که پیام خدا را به شما رسانیدند فراموش نکنید. (غلاطیه، ص ۱۴۰۰)

محبت خدا به بندگان

خدا بشر را آفریده همه نیازمندی های او را با کمال بخشش و بزرگواری فراهم نموده است اما بشر از فرمان خدا روی گردانید و خود را از او دور نمود اگر بشر خدا را با تمامی دل دوست می داشت و از او فرمانبرداری می کرد می توانست برای همیشه در حضور خدا و در شادمانی و صلح و آرامش به سر برد اما هنگامی که به خدا پشت کرد قدم به جاده ای گذاشت که منتهی به هلاکت و موت ابدی بود؛ به علاوه همین نافرمانی بشر را دشمن خدا کرد خدا نمی خواست بشر در گناه خویش هلاک شود بلکه می خواست همه آنها نجات پیدا کنند و رستگار شوند بدین جهت او با فرستادن عیسی مسیح فرزند شایسته خود و کسی که به خاطر نجات و رستگاری گناهکاران از هلاکت ابدی، جان خود را فدا نمود و نهایت محبت خویش را به جهانیان نشان داد. چنانکه در کتاب مقدس انجیل نوشته شده است: زیرا خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاویدانی یابد. و در جای دیگر آمده است: لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. اگر بخواهیم به میزان محبت خداوند نسبت به مردم جهان پی ببریم باید به مسیحی که بر بالای صلیب جان داد نگاه کنیم تا افکار بلند و روحیه ملکوتی او را درک کنیم به این جهت است که نشانه محبت و فداکاری به شمار می رود. (میلر ۱۹۹۸، فرح، ص ۲۲)

محبت به خانواده

از جمله آموزه هایی است که در کتاب مقدس آمده است و پیروان خود را به آن رهنمون می سازد. ای فرزندان وظیفه هر مسیحی این است که از والدین خود اطاعت کند. و توصیه میکند به احترام کردن پدر و مادر تا کامیاب گردی و عمرت در زمین طولانی شود. شما ای پدران، فرزندان خود را خشمگین نسازید بلکه آنان را با آموزش و پرورش مسیحی تربیت کنید. (غلاطیه، ص ۱۳۳۸)

محبت جنس دیگر

این نوع از محبت را در غالب روابط زنها و شوهرها چنین ترسیم میکنند؛ به خاطر احترامی که به مسیح دارید، مطیع یکدیگر باشید. ای زنها طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می کنید، زیرا همانطور که مسیح سر کلیسا یعنی بدن خود میباشد و شخصا نجات دهنده ی آن است، شوهر نیز سر زن خود می باشد و چنانکه کلیسا مطیع مسیح است، زنها نیز در هر مورد باید از شوهر های خود اطاعت کنند. و در توصیه به مردان آمده است: ای شوهرها چنانکه مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد، شما نیز زنهای خود را دوست بدارید. مردان باید همانطور که بدن خود را دوست دارن، زنانشان را دوست بدارند زیرا مردی که زنش را دوست می دارد خود را دوست دارد. (غلاطیه، ص ۱۳۵۰)

محبت در حق یکدیگر

عیسی مسیح در طول زندگانی پر از خدمت خود نشان داد که چگونه می توانیم همسایه خود را دوست بداریم و در ضرب المثل معروف سامری نیکو نیز به ما آموخت که معنای واقعی همسایه چیست. همسایه ما تنها آن کسی نیست که در کنار ما زندگانی می کند یا تنها نباید به افرادی که از نژاد ما یا پیروان مذهب ما هستند مهر ورزید بلکه هر انسان دیگری را باید همچون همسایه پنداشت و او را محبت نمود. (میلر، ۱۹۹۸، فرح، ص ۲۵)

محبت در حق دشمن

مسیح شیوه محبت را به انسان آموخت و به پیروان خود گفت نه تنها دوستان خود را دوست بدارند بلکه به دشمنان خود نیز محبت کنند شما نیز به ایشان همچنان کنید. (میلر، ۱۹۹۸، فرح، ص ۲۵)

در آموزه های کتاب مقدس آمده است: اگر دشمنت گرسنه باشد، به او غذا بده و اگر تشنه باشد او را آب بنوشان. این کار تو او را شرمنده می سازد و خداوند به تو پاداش میدهد. (مزامیر ۷۴۸)

مقایسه محبت در اسلام با مسیحیت

مطالعات مقایسه ای در مطالعات پیشینیان نیز مورد توجه بوده است، این امر در علم در علوم اجتماعی کاربرد دارد. مطالعه مقایسه ای را توصیف و تبیین موارد تشابه و افتراق و یا شناخت دو دیدگاه در پرتو مقایسه است.

در این راستا به منظور شناخت بهتر مسئله محبت به مقایسه در اسلام و مسیحیت می پردازیم.

۱. هر دو دین توحیدی و مبتنی بر ایمان به خدا هستند.

۲. هر دو دین یک اخلاق بنیادین مشترک دارند و پیروان خود را ملزم به پای بندی به آن می نمایند.

۳. در هر دو دین محبت امری ستودنی معرفی شده است.

۴. محبت انواعی دارد که در اسلام و مسیحیت موارد مشترکی چون محبت خدا به بندگان، محبت بندگان به خدا و محبت انسانها نسبت به یکدیگر آورده شده اند.

در اسلام محبت بنده به خداوند با اطاعت و پرهیز از گناه و ذکر و عبادت و اعمال دیگر صورت میپذیرد.

اما در مسیحیت بیشتر تاکید بر این است که انسان از خطا و گناه نمیتواند مصون باشد و حضرت مسیح برای سعادت انسان ها قربانی این امر شده است.

نتیجه

حب و ویژگی است ذاتی که فطرتا در وجود انسان ها نهادینه شده است و در ادیان دیگر همچون مسیحیت نیز به آن پرداخته شده است. این احساس موجب برقراری رابطه ها و برطرف کردن نیازهای جسمی و روحی و روانی افراد می شود. مانند میل و دوست داشتن غذا، تفریح، انس با همسر و فرزند و...

در بالاترین مرتبه از دوستی، محبت خدا به بندگان و متقابلاً محبت بنده به خداوند رحمان قرار گرفته است؛ رابطه ای کاملاً متقابل که بهترین پیامدها را برای بنده در دنیا و آخرت خواهد داشت. در مسیر رسیدن به این محبت در اسلام عوامل متعددی وجود دارد همچون اطاعت و تبعیت، دوری از گناه، ذکر و یاد خدا و... در صورت نبود این راهکارها و عدم به کار گیری یا بعضاً مخالفت با آنها علاوه بر محروم ماندن بنده از محبت نسبت به خالق هستی مستوجب قهر و غضب نیز خواهد بود. مثلاً در اطاعت و فرمانبرداری از خالق هستی؛ اطاعت از او سعادت را به ارمغان می آورد و مخالفت با امر الهی در امور مختلف (مانند عدم رعایت اصول و فروع دین) شقاوت و خسران را به دنبال خواهد داشت. در دین مسیحیت بر محبت تاکید فراوان شده و راه رسیدن به این محبت پیروی از حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) است که در آموزه های خود بر محبت نسبت به خدا و دیگران تاکید فرموده است و خود الگویی از این محبت است. در اسلام پیشوایان این دین از برجسته ترین الگوهای محب خداوند و محبوب او هستند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال / ترجمه مدرس گیلانی، اصفهان ۱۳۹۸
۲. آیت، زهرا، برگرفته از کتاب های استاد حسین انصاریان، جلوه هایی از دریای بیکران مهر و محبت واسعه الهی در قرآن و روایات، اصفهان ۱۳۹۸
۳. رضی بهابادی، بی بی سادات، شبانی، اعظم سادات، مقایسه مفهوم "محبت" در قرآن و عهد جدید
۴. سبزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، بی جا ۱۴۱۳
۵. شفیع، سید علی، محبت خداوند و علاقه به مردم دو الگوی تربیتی امام حسین (علیه السلام) بی جا، بی تا
۶. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) - قم، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴.
۷. غیاثی کرمانی، محمد رضا، لغتنامه قرآن کریم: نگاهی نو به نثر طوبی، قم ۱۳۸۹
۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران ۱۳۸۷
۹. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران ۱۳۰۷
۱۰. کتاب مقدس، ۲۰۰۷ م، بی جا
۱۱. مدرسی یزدی محمد رضا، ذکر سرود هستی: تبیینی بر بزرگی، آثار، مراتب، انواع، شرایط، اسباب و موانع ذکر، قم ۱۳۹۲
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه / به قلم جمعی از نویسندگان؛ زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تهران ۱۳۵۳
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة اخبار الایمه الاطهار علیهم السلام، اصفهان ۱۳۹۸ ترجمه خسروی
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث، دارالحدیث، تهران، ۱۳۸۳
۱۵. محققان، زهرا، پرچم، اعظم، ماهیت امید؛ مقایسه ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت، سال چهارم، شماره اول زمستان، ۱۳۹۱، ص ۷ ۲۶

۱۶. میلر، و.م.، ترجمه فرح، راه رستگاری، انگلستان ۱۹۹۸، (ایلام)

۱۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۳۸۲

۱۸. نوری، ابراهیم، توحیدی فرد، محمد حسین، مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان،

۱۹. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران ۱۳۷۷